

درس دهم

چستی انسان 2

استاد مکنونی

دیدگاه فیلسوفان مسلمان درباره حقیقت انسان

فیلسوفان مسلمان با استفاده از آنچه افلاطون و ارسطو و پیروان آن دو به دستشان رسیده بود و الهام از آموزه های دینی خود، راجب حقیقت انسان و توضیح و تبیین قدم برداشتند و آثاری از خود باقی گذاشتند

فیلسوفان مسلمان تلاش می کنند که حقیقت متعالی انسان را بشناسند و جایگاه برتر او در هستی را نشان دهند. که در این راه از سه منبع فکری استفاده کردند

مهم ترین انها فارابی، ابن سینا، خواجه نصیر، سهروردی، میر داماد، ملاصدرا، سبزواری بود.

فیلسوفای مسلمان معتقدند که

نمیتوان انسان را به یک موجود صرفاً مادی در نظر گرفت و در عین حال ویژگی‌هایی تعالی مثل آزادگی، کرامت انسانی، قائل شد. {افلاطون و ارسطو}

با تعمق فکری، دینی را قبول کرده بودند که به روشنی از حقیقتی به نام «روح» سخن گفته و کتاب آسمانی انسان را موجودی جاویدان، جانشین خدا در زمین و مسجود فرشتگان محسوب کرده که آسمان‌ها و زمین را خداوند برای او آفریده است. {دین و قران}

آنان یا خود عارف بودند یا عارفانی را می‌شناختند که با پاکی نفس به مرحله‌ای رسیده بودند که مراتب برتر و مجرد هستی را شهود می‌کردند و می‌دانستند که چنین شهودی در توان بدن مادی انسان نیست. انسان با سیر و سلوک نفس می‌تواند از توان جسم مادی فراتر بره و به مراتب برتر و مجرد عالم برسه {عرفان}

ابن سینا:

ابن سینا نظر ارسطو درباره حقیقت انسان را پسندید {نفس ناطق است و انسان دارای دو بعد روحی و جسمی است} و سعی کرد این دیدگاه را عمیق تر بیان کند

معتقد است که

خدا در مرحله ای از دوره جنینی به بدن انسان روحی عطا میکند

این روح غیرمادی و مجرد

قابلیت تفکر و کسب علم دارد

این روح می تواند اموری از قبیل اخلاق، عشق، دوستی، نفرت، پرستش و معنویت را دریابد و آنها را در خود پدید آورد.

ابن سینا همچون عارفان برای روح جایگاهی بسیار رفیع در نظام خلقت قائل شد.

اوشعری به عربی برای توصیف بی قراری و کوشش روح برای رسیدن به

جایگاه اصلی اش سرود و وضعیت روح را با بیانی تمثیلی، در آن شرح داد.

خلاصه ابن سینا

انسان ترکیبی از روح و جسم
انسان ابتدا ماده و در دوره جنینی روح به او عطا داده میشود
روح انسان مشتاق به جایگاه اصلیش برسه
روح یا نفس بی واسطه به خودش اگاه
روح توانایی کسب علم دارد

تست

فیلسوفان مسلمان معتقدند که نمی توان...

- 1- انسان را صرفاً موجودی روحانی در نظر گرفت
- 2- انسان را اشرف مخلوقات در عالم هستی دانست
- 3- ارزش ها و فضائل انسانی را به نفس تقلیل داد
- 4- روح را هدیه ای الهی و غیرزمینی شمرد

کدام مورد جزء منابع فکری مسلمان در تبیین حقیقت انسان محسوب نمیشود؟

- 1- فلسفه یونان
- 2- عرفان اسلامی
- 3- فلسفه دوران جدید
- 4- آموزه های دینی

تست

از نظر ابن سینا بدن انسان چه زمانی صاحب روح میشود؟

1- پس از به دنیا آمدن 2- قبل از شکل گیری نطفه

3- در دوره جنینی 4- در هنگام بلوغ

در مورد نفس در نظریه ابن سینا کدام گزینه نادرست است؟

1- دارای خودآگاهی است 2- از ابتدا با بدن همراه است

3- ماهیت مشخصی دارد 4- امری نامتناهی است

انسان شناسی ابن سینا بیشتر از همه تحت تاثیر کدام فیلسوف است؟

1- ارسطو 2- افلاطون 3- فیثاغورس 4- پارمنیدس

سهروردی:

با بهره مندی از الهامات و اشارات معنوی خود بسیاری از حقایق را از طریق شهود درونی به دست می آورد و تلاش میکند آنها را به زبان فلسفه و استدلال بیان کند.

به جای مفهوم {وجود} بیشتر از مفهوم «نور» استفاده می کرد. او معتقد بود که هستی، مراتب نور است. خداوند که نور محض است و هیچ ظلمتی در او راه ندارد، «نورالنوار» است.

سایر مراتب وجود، نور هستی خود را از نورالنوار دریافت می کنند، اما چون نور کامل نیستند، ترکیبی از نور و ظلمت اند.
یعنی خداوند نور کامل و ما بقی موجودات نورهای ضعیفی هستیم که با تاریکی ترکیب شدند

حقیقت نورانی نفس:

سهروردی عقیده داشت انسان 2 جنبه نور و ظلمت است که جنبه نورانی انسان همان نفس انسان، و جسم او، همان جنبه ظلمانی اوست.

این نفس، اگر نورانیت بیشتری کسب کند، حقایق هستی را بهتر درک می‌کند و می‌تواند با کسب شایستگی و لیاقت بیشتر، مسیر کمال را طی کند.

از نظر سهروردی خداوند مشرق عالم و پایین ترین حد نورانیت عالم مغرب عالم است. پس هر چه موجودات از خداوند دورتر باشند به مغرب نزدیک تر میشوند و از مشرق دورتر

او نفس انسانی را حقیقتی مربوط به مشرق عالم می‌داند که از مشرق وجود دور افتاده و مشتاق بازگشت به آنجاست.

خلاصه سهروردی:

بجای واژه وجود از نور استفاده میکند
خداوند هستی مطلق {نور محض} و مشرق عالم
همه موجودات ترکیبی از نور و ظلمات هستند
نفس انسان نور و بدن و جسم او ظلمت است
نفس با کسب نورانیت بیشتر حقایق بیشتری درک میکند و به کمال
میرسد
نفس که در مغرب عالم گیر افتاده و مشتاق بازگشت به مشرق عالم
است

تست

در زبان فلسفی سهروردی به جای مفهوم... از اصطلاح... استفاده میشود.

1- نور-شهود 2-حقیقت-عشق

3-وجود-شهود 4-وجود-نور

سهروردی معتقد بود که عالم هستی---است

1-نورالانوار 2-مشرق عالم

3-مراتب نور 4-نور محض

می توان در فلسفه سهروردی از نفس و بدن به و ... تعبیر کرد.

1-نور-وجود 2-نور-ظلمت

3-بودن-شدن 4-نور-حقیقت

ملاصدرا

نام مکت فلسفی ملاصدرا حکمت متعالیه است. انسان در حکمت متعالیه دو بعدی {روح و بدن} اما او معتقد نیست که روح به بدن ضمیمه شده باشد یا این ها دو چیز کاملاً مجزا باشند {روح، چیزی ضمیمه شده به بدن نیست، بلکه نتیجه رشد و تکامل خود جسم و بدن است.} پس معتقد که

روح و بدن وحدتی حقیقی دارند. {وحدت حقیقی روح و جسم}

و چون از هم جدا نیستند هر اتفاقی در روح بیفتد، در بدن ظاهر میشود و هر اتفاقی در بدن رخ دهد، بر روح تأثیر میگذارد

به طور مثال، بدن بیمار، روح را هم بیمار میکند و بدن شاداب به روح هم شادابی میبخشد. همچنین روح با نشاط، جسم را به فعالیت میکشاند و روح افسرده، جسم را زمینگیر میکند.

روح انسانی آخرین درجه تکاملی است که موجودات زنده میتوانند به آن برسند.

{کامل ترین موجود}

حکمت متعالیه ملاصدرا

ظرفیت روح انسان پایان ندارد و روح میتواند به هر مرتبه کمالی در جهان مخلوقات دست یابد. پس روح قابلیت تکامل و پیشرفت نامحدود دارد. مراحل تکاملی طبیعت، وقتی از گیاه و حیوان میگذرد و به انسان می رسد ظرفیتی بی نهایت پیدا میکند و به هیچ درجه ای از کمال قانع نمیشود {قابلیت بی نهایت روح}

اگرچه انسان ظرفیت و استعداد بی نهایت دارد، اما این استعداد، به معنای رسیدن حتمی وی به کمالات نیست. انسان باید با اختیار و اراده خود این ظرفیت را به فعلیت برساند. یعنی باید مسیر تکاملی به سوی خدا را انتخاب نماید و با ایمان و عمل این مسیر را طی کند. البته او اختیار دارد که مسیرهای دیگری غیر از مسیر تکامل را برگزیند. {مسیر نامعین}

اراده و خواست انسان مسیر تکامل روح را انتخاب می کند.

پیوند معرفت شناسی و انسان شناسی

افلاطون	نفس و بدن	حس و عقل
ارسطو	نفس و بدن	حس و عقل
دکارت	نفس	عقل گرا
کانت	نفس و بدن	حس و عقل
هابز	ماشین پیچیده	تجربه گرا
ابن سینا	نفس و بدن	حس و عقل
سهروردی	نفس	معرفت شهودی
ملاصدرا	نفس و بدن	حس و عقل و شهود